



اتاقی که در آنجا اتفاق افتاد

جان بولتون / مشاور امنیت ملی سابق ترامپ / مترجمان: مسعود میرزایی و بهجت عباسی

تر امپ، مرد همیشه متکلم وحده

من نقش مهمی در کمپین انتخاباتی ترامپ ایفا نکردم، بجز یک بار که در روز ۲۳ سپتامبر ۲۰۱۶ و سه روز پیش از نخستین مناظره تلویزیونی اش با هیلاری کلینتون، به دیدار وی در برج ترامپ رفتم. من در دانشکده حقوق دانشگاه «ییل» تحصیل کرده بودم و هیلاری و بیل کلینتون نیز همزمان به‌عنوان دانشجویان سال بالایی در همین دانشکده تحصیل می‌کردند. در ملاقاتم با ترامپ علاوه بر بحث و گفت‌وگو درباره مسائل امنیت ملی، به دلیل شناخت قبلی که از کلینتون‌ها داشتم، مشاوره‌هایی نیز در ملایر نحوه عملکرد احتمالی هیلاری در مناظره انتخاباتی پیش رو ارائه و تأکید کردم که او بخوبی آماده‌سازی شده و هر اتفاقی بیفتد او برنامه از قبل طراحی شده خود را برای این بازی تعقیب خواهد کرد. اعتقادم بر این بود که هیلاری طی ۴۰ سال گذشته تغییر چندانی نکرده است. در این ملاقات بیشتر ترامپ حرف زد همان گونه که در نخستین دیدارمان در سال ۲۰۱۴ و قبل از اعلام نامزدی اش نیز او متکلم وحده بود. در پایان این ملاقات، ترامپ گفت: «می‌دانی دیدگاه‌های من و تو بسیار نزدیک است، بسیار نزدیک.»

در ایام فعالیت‌های انتخاباتی در سال ۲۰۱۶، من مشغله‌های زیادی داشتم؛ عضو ارشد مؤسسه امریکن اینترپرایز بودم، پای ثابت میزگردها و برنامه‌های تحلیلی فاکس نیوز بودم، به‌عنوان وکیل حقوقی در یک مؤسسه معظم حقوقی فعالیت می‌کردم و در هیأت مدیره چند شرکت نیز عضویت داشتم، مشاور ارشد یک شرکت جهانی فعال در عرصه مالی بودم و حداقل هفته‌ای یک بار هم در ستون دیدگاه برخی از مطبوعات مقاله می‌نوشتم. در اواخر سال ۲۰۱۳ من یک «کمپته اقدام سیاسی» و یک «سوپر کمپته اقدام سیاسی» تشکیل دادم تا به نامزدهای سنا و مجلس نمایندگان که به ضرورت تعقیب یک سیاست قوی امنیت ملی برای کشور اعتقاد داشتند، کمک کنم (این کمپته‌ها در امریکا تشکیلاتی سیاسی و قانونی به شمار می‌روند که اجازه دارند کمک‌های مالی را برای انتخابات جمع‌آوری و در میان نامزدهای همسو توزیع کنند، گستره اختیارات سوپر کمپته بیشتر از کمپته است.) در این عرصه من صدها هزار دلار به‌طور مستقیم در میان نامزدهای انتخاباتی توزیع کردم و میلیون‌ها دلار دیگر نیز در سال ۲۰۱۴ و ۲۰۱۶ در بخش امکانات ارتباطی و پشتیبانی نظیر راه‌اندازی وب سایت و شبکه‌های اطلاع‌رسانی و تبلیغات مستقیم در جریان رقابت‌های انتخاباتی هزینه کردم و آماده می‌شدم که دوباره همین کار را در سال ۲۰۱۸ انجام دهم. به هر حال من مشغله‌های زیادی داشتم که با آنها سرگرم بودم، همچنین در سه دولت جمهوریخواه امریکا (دولت‌های ریگان و جورج بوش پدر و پسر) خدمت کرده بودم. باید اعتراف کنم که حوزه روابط بین‌الملل نیز از همان ایام حضورم در دانشگاه ییل مرا سر ذوق می‌آورد و من آماده بودم که دوباره وارد این حوزه کار می‌شوم. در ادامه موضوعات مورد علاقه‌ام جدید با سرعت بالا به سمت ما در حرکت بودند و با توجه به هشت سال حضور باراک اوباما در کاخ سفید، لازم بود اصلاحات و تغییرات زیادی انجام شود. من طی سال‌های طولانی بشدت درباره امنیت ملی امریکا در این جهان متلاطم دغدغه داشتم و درباره این موضوعات می‌اندیشیدم؛ روسیه و چین در سطح راهبردی و ایران، کره شمالی و برخی دیگر از کشورهای یاغی از آمل هسته‌ای در سر داشتند در سطحی پایین تر، تهدیدات متنوع و متغیر که از ناحیه تروریست‌های مذهبی بنیادگرا در خاورمیانه آشوب زده (سوریه، لبنان، عراق و یمن)، افغانستان و فراتر از آن صادر می‌شد از دیگر موضوعات مورد علاقه‌ام بود. همچنین تهدیداتی در نیمه کره خودمان از جانب کوبا، ونزوئلا و نیکاراگوئه وجود داشت.

استفاده از برچسب‌های مرتبط با سیاست خارجی کمک چندانی به شناخت شخصیت و سیاست‌های افراد نمی‌کند مگر برای افراد تنبلی که زحمت اندیشیدن به‌خودشان نمی‌دهند، اما باوجود این اگر مجبور باشم که خودم و سیاست‌هایم را توصیف کنم، دوست دارم بگویم که سیاست من «حمایت و طرفداری از امریکا» است. من در اقتصاد دنباله رو «آدام اسمیت» و در مسائل اجتماعی پیرو «ادموند بورک» هستم، در موضوع امنیت ملی من به ترکیبی از دیدگاه‌های «دین اچسون» و وزیر خارجه امریکا در دوران ریاست جمهوری ترومن و «جان فاستر دالس» و وزیر خارجه امریکا در دولت آیزنهاور اعتقاد دارم و در دولتمداری هم طرفدار دیدگاه‌های مطرح شده در کتاب «مقالات فدرالیست‌ها» نوشته «الکساندر همیلتون»، «جیمز مدیسون» و «جان جی» هستم (پونسدگان این ۸۵ مقاله، سه سیاستمدار نامدار نیویورک در اواخر قرن ۱۸ بودند که باوجود داشتن اختلافات نظری فراوان، در مورد تشکیل یک جمهوری قدرتمند با یکدیگر هم‌نظر بودند. این کتاب هم‌اکنون به‌عنوان یکی از آثار کلاسیک فلسفه سیاسی شناخته می‌شود). نخستین حضور من در عرصه مبارزات سیاسی به سال ۱۹۶۴ بازمی‌گردد که به طرفداری از «برنی گلدواتر» مشهور به «آقای محافظه‌کار» و نامزد حزب محافظه‌خواه در انتخابات ریاست جمهوری، فعالیت می‌کردم (گلدواتر در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۹۶۴ در مقابل «لیندون جانسون» دموکرات متحمل شکست سختی شد).

من مسئولان ارشد ستاد انتخاباتی ترامپ از جمله «استیو بُنن»، «دیو باسی» و «کلین کانوی» را از همکاری‌ها و ارتباطات قبلی که با هم داشتم، می‌شناختم و با آنها حتی در مورد پیوستن به دولت ترامپ در صورت موفقیت وی در انتخابات صحبت کرده بودم. پس از اعلام نتایج انتخابات ۲۰۱۶ و آغاز دوره انتقال قدرت، به‌نظم منطقی رسیدم که من هم آمادگی خود را برای خدمت در دولت به‌عنوان وزیر خارجه به تیم ترامپ اعلام کنم، همان‌گونه که افراد دیگری نیز این کار را کرده بودند. به یاد دارم در ساعات اولیه باامداد نهم نوامبر که نتیجه نهایی انتخابات هم معلوم شده بود، «کریس والاس» مجری و گوینده شبکه فاکس نیوز پس از پایان کارش از استودیو بیرون آمد و در حالی که لبخندی پنهانی صورتش را پوشانده بود، دست مرا به گرمی فشرد و گفت: «مبارک که آقای وزیر.» البته روشن است که در زمینه داوطلبان و مدعیان تصدی وزارت خارجه اصلا کمبودی وجود نداشت و همین مسأله باعث شد که رسانه‌ها هر روز گمانه‌زنی‌هایی را در مورد نامزدهای پست وزارت خارجه و اینکه کدام‌یک از شانس بیشتری برخوردارند، منتشر کنند. در این گمانه‌زنی‌ها ابتدا «نیوت گینگرلیچ» در صدر بود، بعداً «رودی جولیانی» به صدر اخبار آمد، «میت رامنی» نامزد بعدی بود که رسانه‌ها در مقطعی از او به‌عنوان پیشتاز تصدی پست وزارت خارجه یاد کردند و در نهایت دوباره اسم رودی جولیانی بیشتر مطرح شد. من با همه این افراد کار کرده بودم و برای تک‌تک‌شان هم احترام قائل بودم، چرا که هر سه آنها به سبک و سیاق خودشان افراد موجه و فوق‌العاده‌ای بودند. طبیعتاً من هم به‌طور ویژه این بحث‌ها را پیگیری می‌کردم، بویژه که صحبت‌های زیادی می‌شد (اگر نگویم فشارهایی نیز بود) که من با پذیرش پست قائم مقامی وزارت خارجه موافقت کنم، هرچند ترجیح من به هیچ وجه قائم‌مقامی وزارت خارجه نبود. اما آنچه بعداً اتفاق افتاد تصمیم‌گیری به شیوه ترامپ را به نمایش گذاشت که باید به‌عنوان یک هشدار از آن درس محتاط بودن می‌گرفتم.

- یکشنبه ۸ تیر ۱۳۹۹
- سال بیست و ششم
- شماره ۹۳۳۷

نیویورک تایمز (امریکا):

در پنج هفته‌ای که از قتل جورج فلوید می‌گذرد، سفیدپوستان زیادی در همبستگی با جنبش «جان سیاهان مهم است»، به خیابان‌ها آمده‌اند. سیاه‌پوستان نیز از حضور آنان در اعتراض‌های خود استقبال کرده‌اند. اما آیا سفیدها تا آخر در کنار سیاهان خواهند ماند؟



عرب نیوز (عربستان):

تصویری که این هفته در شبکه‌های اجتماعی عربستان منتشر شد و زنی را در لباس گارد ویژه سلطنتی نشان می‌داد، حاکی است، برای اولین بار در تاریخ عربستان زنان نیز توانسته‌اند به درجات بالای نظامی نایل شوند. رویدادی که واکنش زیادی را بین مردم عربستان برانگیخت.



فیگارو (فرانسه):

آیا همه انواع برده‌داری همچون به بردگی کشیدن زنان و جنگ‌های قومی از روی زمین محو شده‌اند که اولویت معترضان حمله به مجسمه‌ها شده است؟ آیا پاک کردن زمین از آثار مجسمه‌های قرن‌های پیش، می‌توان، تاریخ را تطهیر کرد یا جوامع غربی متهم به فساد ذاتی هستند؟



صدراعظم آلمان در گفت‌وگو با ۶ روزنامه معتبر اروپایی مطرح کرد

برای جهان بدون رهبری امریکا آماده شویم

زهرة صفاری خبرنگار

«آنگلا مرکل»، صدراعظم آلمان حدود یک هفته پس از مصاحبه خبری ترامپ درباره تصمیم دولتش برای خروج نیروهای نظامی‌اش از خاک آلمان، در اظهاراتی تأمل برانگیز درباره برهم خوردن معادلات قدرت در جهان و جایگاه امریکا، به اروپاییان پیشنهاد کرد به جهان بدون رهبری واشنگتن بیندیشند.

به‌گزارش «گاردین»، قدرتمندترین سیاستمدار زن حال حاضر جهان که با وجود لرزش‌های جسمانی‌اش همچنان حرف نخست را در اروپا می‌زند و تا چند روز دیگر نیز در رأس اتحادیه اروپا می‌شینند و ریاست دوره‌ای اتحادیه را در دست می‌گیرد، در گفت‌وگویی چالشی با ۶ روزنامه اروپایی؛ «گاردین»، انگلیس، «زودوچیه زیتونگ» آلمان، «لوموند» فرانسه، «لوانگاردیو» اسپانیا، «الاستامپا» ی ایتالیا و «پلتیکا» ی لهستان، با صحبت درباره لزوم برقراری روابط استراتژیک اقتصادی با چین و روسیه و تغییر جایگاه قدرت جهانی، آب پاکی را روی دست ترامپ ریخت و خروج نظامیان امریکایی از خاک آلمان را برای دولت او پرخطر خواند. وی همچنین در جریان این مصاحبه به لزوم اتحاد اروپا برای احیای اقتصادی در پساکرونک و شرایط همکاری با انگلیس پس از پایان ضرب‌الاجل برگزیت نیز اشاره‌ای داشت.

پاسخ به اتهام ترامپ

حدود یک هفته پیش دونالد ترامپ در گفت‌وگو با رسانه‌ها اعلام کرد با

در پی افزایش نگرانی صهیونیست‌ها و امریکا از پاسخ فلسطین به اشغالگری‌های جدید

نتانیاهو فاز نخست اجرای طرح الحاق را تعدیل کرد

ندا اکیش خبرنگار

شاه اردن گذاشت و از او خواست این پیام را به محمود عباس برساند. در این پیام بدون اشاره به جزئیات، آمده بود که نتانیاهو دیگر قصد اجرای طرح الحاق در دره اردن را ندارد و این طرح را به طور محدود و در حد سه شهرک اجرا می‌کند.

علی رغم سفر رئیس موساد به اردن برای جلب حمایت مقامات اردن، برخی منابع آگاه اعلام کردند، در صورت اجرای طرح الحاق، اردن واکنش جدی نشان خواهد داد و اخراج سفیر، تعلیق روابط و لغو توافق گازی گزینه‌های روی میز اردن خواهد بود.

در بین مقامات رژیم صهیونیستی هم اختلاف نظرهای جدی درباره نحوه اجرای طرح الحاق وجود دارد. اوایل ماه جاری میلادی عده‌ای از مقامات ارشد صهیونیستی در آشکار برای برهیز از برخورد‌های فلسطینیان است. اما از آنجا که در آن آمده بود، طرح الحاق تا حد زیادی کاهش یافته و دیگر این طرح در دره اردن اجرا نمی‌شود و فقط شامل دو یا سه شهرک صهیونیست‌نشین خواهد بود. این اقدام نتانیاهو اگرچه به نوعی یک عقب‌نشینی آشکار برای برهیز از برخورد‌های فلسطینیان است. اما از آنجا که به نوعی اجرای گام به گام طرح محسوب می‌شود، بعید است، فلسطینیان و جهان در مقابل آن سکوت کنند.

به‌گزارش تایمز اسرائیل، یوسی کوهن، رئیس سازمان جاسوسی رژیم صهیونیستی (موساد) اواخر هفته گذشته در سفری به اردن در دیدار با ملک عبدالله، پادشاه این کشور، پیام نتانیاهو به محمود عباس را در اختیار

دیوار مرزی دردسرساز ترامپ

گروه جهان - بالاخره دیوار مرزی امریکا

– مکزیک کار دست دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری امریکا داد و روز جمعه به

وقت واشنگتن قضات یک دادگاه استیناف

درباره بودجه این دیوار حکم داده واعلام

کردند، ترامپ به‌طور غافلگیرانه ۲.۵ میلیارد

دلار از بودجه ساخت و ساز ارتش را به این

دیوار اختصاص داده است.

به‌گزارش الجزیره، به موجب رأی موافق

دو قاضی و رأی مخالف یک قاضی دادگاه

استیناف، ترامپ، اختیار انتقال خودسرانه

۲.۵ میلیارد دلار از بودجه ارتش به ساخت

دیوار مرزی امریکا – مکزیک را نداشته و تنها

نمود داشت. او سپتامبر ۲۰۱۹ گفته بود:

«اروپا باید خود به فکر امنیتش باشد. زیرا امریکا دیگر مانند ایام جنگ سرد، به فکر محافظت از اروپا نیست». البته مرکل در زمان ایوایما نیز، به‌دلیل بودجه محدود نظامی بارها مورد سرزنش قرار گرفته بود اما این شرایط با روی کارآمدن دونالد ترامپ به اوج خود رسید و در نهایت منجر به تصمیم ضربتی ترامپ برای کاهش نیروهایش شد. در این شرایط در حالی که بسیاری قصد دارند اظهارات اخیر مرکل را تأیید بر خواست «امانوئل مکرون» برای تشکیل «حکومت استراتژیک اروپایی» بدون تکیه بر امریکا بدانند اما به باور تحلیلگران «گاردین»، زن زول آلمان موضع محتاطانه‌تری در این باره داشته است.

لزوم تقویت روابط باچین وروسیه

در شرایطی که هژمونی امریکا

در جایگاه لرزانی قرار گرفته است، «مرکل» از منافع مشترک با چین و لزوم تعامل بیشتر اتحادیه اروپا با این کشور گفت: «نشست ماه سپتامبر ما با چین به‌دلیل کرونا لغو شد اما ما همچنان تعاملتمان با این کشور را ادامه می‌دهیم چرا که اروپا و چین منافع مشترکی مانند اقدامات مؤثر آب و هوایی دارند. ما بارها مذاکراتی برای قراردادهای سرمایه‌گذاری داشتیم و حتی باید به تقویت سیاست‌های‌مان در آفریقا که چین در برخی مناطق آن نفوذ دارد، بپردازیم. اروپایی‌ها باید هر کاری برای یکدست شدن انجام دهند در غیر این صورت قدرت خود را از دست می‌دهند. از طرفی چین تبدیل به یک بازیگر جهانی شده و با یک اتحاد همه‌جانبه با وجود چالش بزرگ در سیستم سیاسی‌مان



می‌توانیم با این کشور در مسائل اقتصادی، تغییرات آب و هوایی و... همکاری قابل تأملی داشته باشیم.» وی درباره روسیه نیز گفت: «مذاکرات سازنده با روسیه نیز نیاز فعلی ماست و دلیل خوبی نیز برای آن داریم که نقش اثرگذار استراتژیک روسیه در سوریه و لیبی دو همسایه اروپایی است. من همچنان مشتاق این تعامل هستم.»

توپ برگزیت در زمین انگلیس

صدراعظم آلمان همچنین با نزدیک شدن به پایان ضرب‌الاجل یازده ماهه انگلیس برای قطع روابط و خروج کامل از اتحادیه اروپا به نوعی در لافقه به دولت بوریس جانسون هشدار داد: «انگلیس باید با تبعات تصمیم بوریس جانسون برای ادامه راه اقتصادی و تجاری بدون اتحادیه اروپا زندگی کند و هیچ راه گریزی نیز

مدیریت کرونا و تقویت همبستگی اجتماعی

چنان که اندیشمندان و صاحبزطران در این دوران علی‌رغم ناشناخته بودن ابعاد این ویروس به این مهم پرداخته‌اند. شاید کمتر حادثه‌ای را بتوان پیدا کرد که در یک بازه زمانی خاص و محدود این حجم از مطالب درباره یک موضوع تولید شده باشد. از مقالات علمی درباره دستاورتهایشتی تا نظریه‌های سیاسی وبررسی تأثیر کرونا بر اقتصادهای جهانی ومجلی واز تأثیر آن بر تغییر سبک زندگی ورابطه دین ونهادهای مذهبی درمهار کروناتا آینده‌پژوهی ونگرانی از گسست شالوده‌های اجتماعی،پساکرونا، نقش نهادهای محلی ومردمی دراین حادثه، گرایش به زندگی در فضای مجازی وصرفه‌جویی اجباری ازجمله موضوعاتی هستند که دراین دوران مورد توجه قرار گرفتند.

ازوجه دیگر آگاهی‌های منبعث ازشیوع کرونامی توان به فقدان رهبری جهانی وفرو رفتن رهبران سیاسی در لاک ملی گرایی و ضعف سازمان‌های بین‌المللی اشاره کرد که پروژه برطوطراق جهانی شدن را به دیوار کوبیده است. اما آنچه در این مقال به آن می‌پردازیم، مدل مدیریتی است که برای مهار کرونا در ایران بکار رفت و تا حدود زیادی در افزایش وفاق وهمبستگی چه در بین نهادهای حاکمیتی و چه در میان حامیت ومردم مؤثر بود. ویروس کرونا در شرایطی که کشور ما وارد شد که سرمایه اجتماعی اعم از امید به آینده، اعتماد عمومی وهمبستگی اجتماعی در پایین‌ترین میزان خود و در خط هشدار قرار داشت. بنده در این مجال بنای پرداختن به علل وعوامل بروز این وضعیت را اندام. اما جامعه ما با یک بحران اجتماعی سنگین مواجه بود که بحران کرونا هم به آن اضافه شد. اما بر خلاف انتظار خوشبختانه بحران کروناتا حدودی در ترمیم همبستگی اجتماعی مؤثر بوده که به اختصار می‌توان دلایل این تأثیر را در این موارد جست‌وجو کرد:

نخست– آنکه کرونا یک مسأله عمومی، ملی وهمه‌گیر بود و به‌خطری مشترک برای همه افراد از همه طبقات تبدیل شد. شهری وروستایی، فقیروغنی، شهروند عادی ومقامات سیاسی همه به یک میزان در معرض خطر ایستادوبودند. اگرچه همه به طور یکسان آسیب نمی‌دیدند، اما در مجموع احساس بودن در یک قایق تقویت شد ومساله تعارض منافع منتفی بود.

دوم– ستاد فرماندهی وکنترل کرونا واحد،متمرکز ومقتدر وبا اختیارات وسیع تشکیل شد. همه دستگاه‌های تحت امر آن ستاد به فعالیت مشغول شدند. در امر مدیریت تصمیم‌گیری واحد وهماهنگی وتبعیت بسیار مهم است. حتی وقتی ارتش وسپاه‌وارد میدان شدند این نگرانی به وجود آمد که مبادا یک موازی کاری در این امر صورت گیرد که خوشبختانه با برخورد سنجیده وخردمندانه نیروهای مسلح نظامی و انتظامی همکاری مصمیمانه وخالصانه آنتیاهنیز به تقویت مدیریت واحد کمک کرد.

سوم– اطلاع‌رسانی دقیق وموقعی وزاقتیات‌های کرونا کمک مؤثری در ایجاد اعتماد وآرامش در مردم کرد تا جایی که اخبار فیک وجعلی وشایعات بی‌ربط را کنار گذاشت و گرایش مردم به اخبار رسمی راتا حدودی تقویت کرد.

چهارم– حضور مؤثر وسازنده نهادهای مردمی وبهره‌مندی از ظرفیت آنها توسط ستاد فرماندهی مقابله باکرونا نقش تعیین‌کننده‌ای در مهار وکنترل کرونا داشت وهم در تقویت همبستگی اجتماعی. درواقع یک بازی برد–برد بود که در واقع هر دو بازیگر از آن بهره می‌بردند. در اینجا ضروری است که از نقش نهادهای مدنی زنان یاد کنیم که بسیار تأثیر گذار بودند.

پنجم– روحیه ایثار وفداکاری سربازان خط مقدم یعنی کادر درمانی وپزشکی وترویج وتبلیغ جله‌های ایثار وفداکاری آنان که در آمار بالای درگذشتگان کادر بهداشتی و درمانی ایران در مقایسه با سایر کشورها مشخص شد موجب تقویت انسجام وحدت اجتماعی شد.

ششم– همکاری خوب ومصمیمانه نهادهای مذهبی و علمای روشنفکر آگاه به زمان (صرفنظر از برخی رفتارهای خرافی وقشری‌گری افراطیون) موجب تقویت بنیه اعتقادی مردم و در عین حال تقویت همبستگی اجتماعی شد. بنابراین اگر بخواهیم عوامل این مدل حکمرانی موفق در مهار کرونا را بر بشماریم، باید از مدیریت یکپارچه، اطلاع‌رسانی بموقع ودقیق، بهره‌مندی از ظرفیت نهادهای مردمی، هماهنگی بانهادهای مذهبی ونیز ایثار وفداکاری دست‌اندرکاران به عنوان عوامل مؤثر یاد کنیم که می‌تواند الگوی خوبی برای حل سایر بحران‌های مبتلایه کشور در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی واجتماعی کشور باشد.